

نقش حسابرسان در پیشگیری و مبارزه با فساد مالی و پول شویی

فساد مالی و پول شویی عمدتاً از طریق عدم رعایت قوانین و مقررات و استفاده از قدرت و اختیارات دولتی به منظور تامین منابع شخصی یک گروه یا واحد اقتصادی و همچنین مشروعیت بخشیدن به عواید و درآمدهای اعمال خلاف قانون است. امروزه در کشورهای پیشرفته، رهگیری مالی وجوه حاصل از فعالیت‌های بزهکارانه و غیر شفاف اقتصادی مقدم بر کنترل فیزیکی است. دامنه‌ی فساد مالی از یک عمل فردی پرداخت رشوه تا یک سوء عمل فراگیر است که همه‌ی ارکان نظام سیاسی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. معمولاً وقتی در یک نظام اقتصادی پول شویی صورت می‌گیرد از طریق فساد مالی و اداری مراجع قانونی و دولتی، پشتیبانی و حمایت می‌شود. یعنی معمولاً مسیر فرآیند پول شویی از طریق فساد مالی و اداری هموار می‌شود. فساد مالی و پول شویی باعث ایجاد اظهارات غلط یا عدم افشای مناسب در صورت‌های مالی و سایر گزارش‌های مالی و عدم انطباق گزارش‌های درون سازمانی و برون سازمانی می‌شود. بنابراین، اگر جامعه‌ی حسابرسی به دنبال اثبات و برجسته‌تر کردن جایگاه خود در مبارزه با فساد مالی و پول شویی است، باید فرآیند حسابرسی از انتخاب حسابرس تا همکاری بین بخش خصوصی و دولتی و تبادل اطلاعات و فنون حسابرسی از جمله بسترسازی مناسب برای دسترسی حسابرسان به همه‌ی اطلاعات لازم به منظور انجام حسابرسی، در سطح قابل قبولی بازنگری مجدد و اصلاح شود. تا از این طریق برای رسیدن به اطمینان مقبول از درستی عملیات مالی و غیرمالی یک واحد اقتصادی و همچنین ایجاد تغییرات لازم در استانداردهای حسابرسی دست یافت.

فساد مالی

فساد مالی و اقتصادی در هر کشوری از موانع اصلی رشد اقتصادی و سیاسی است. زیرا فساد انگیزه‌های اقتصادی برای سرمایه‌گذاری را کم‌رنگ می‌کند یا از بین می‌برد. سوء استفاده از قدرت در بخش‌های دولتی و عمومی باعث ایجاد فساد و ترویج فعالیت‌های اقتصادی غیر قانونی و تخریب جایگاه و موقعیت بخش‌های دولتی و موسسات عمومی و هموار کردن دسترسی بخش‌های خصوصی برای دستیابی به داری‌ها و منافع اقتصادی غیر شفاف و شبه‌دار می‌شود. منافع خصوصی اعم از داخلی

و خارجی از طریق اعمال نفوذ به طرقی غیرقانونی یا این که بخش دولتی و عمومی از طریق ایجاد شرکت‌های وابسته و فرعی برای دسترسی آسان و سریع به رانت‌های مالی و غیر مالی، به منظور کسب منافع اقتصادی از فرصت‌های موجود برای انجام فساد مالی و اقتصادی استفاد کرده و نهاد عمومی نیز تسلیم این منافع و سایر فسادها می‌شوند، به طوری که در شرایط موجود در کشور عامل بازدارنده‌ی مطمئنی در مقابل آنها وجود ندارد. فساد مالی، از جمله پول شویی، رقابت اقتصادی را فرو می‌نشانند و بازار آزاد را واژگون می‌سازد.

پول شویی

پول شویی با دو هدف انجام می‌شود: اول، منشاء جرم پنهان شود؛ و دوم، درآمد نامشروع پس از به کارگیری در چرخه‌ی اقتصادی تطهیر و مجدداً برای جرایم دیگر به کار گرفته شود. با این عمل، هم کار نامشروع توسعه می‌یابد، و هم از امتیاز این امکانات سوء استفاده می‌شود. سرانجام از پرداخت عوارض و مالیات دولت نیز اجتناب می‌شود. بررسی نظام اقتصادی کشورها نشان می‌دهد هر چه از یک نظام اقتصادی رقابتی متکی به مالکیت فردی دور شویم، شرایط مناسب‌تری برای چنین اعمالی به وجود می‌آید. شیوه‌های پول شویی به عواملی از جمله نوع نظام اقتصادی و قوانین و مقررات کشوری که در آن جا خلاف صورت می‌گیرد و نوع مقررات کشوری که در آن پول شسته می‌شود و نوع ردیابی منبع پول بستگی دارد. آگاهی کشورهای توسعه‌یافته از آثار مخرب پول شویی در اقتصاد و اجتماع و تدوین قوانین و مقررات و اتخاذ تدابیر قابل توجه برای مبارزه با آن، باعث شده است که این پدیده بیشتر در کشورهایی نمود پیدا کند که ساز و کار مناسبی برای جلوگیری یا مبارزه با آن ندارند. پول شویی معمولاً تاثیر مستقیم بر صورت‌های مالی ندارد. ولی تاثیر غیر مستقیم آن از طریق افزایش بدهی‌های احتمالی شکایات و دعاوی بالقوه‌ی مرتبط با پول شویی از جمله جرایم مالیاتی و جرایم سایر قوانین و مقررات های حاکم بر جامعه است. با توجه به این که یکی از آثار این پدیده کاهش درآمدهای مالیاتی دولت و کاهش سطح کیفیت خدمات عمومی است، بنابراین، امروزه مسئولیت حسابرسان در مقابله با پول شویی از هر زمان بیشتر است، و انتظار می‌رود جوامع خود را

در پاکسازی از اثرات نامطلوب آن یاری دهند. با این حال، از آن جا که حسابرسان معمولاً برای برآورده کردن خواسته‌های اجتماعی از استانداردهای حرفه‌ای خود بهره می‌گیرند، استانداردهای حاکم در این باره محدود به بررسی عدم رعایت قوانین و مقررات است و جای خالی اظهارنظر شفاف در این باره مشهود است.

نقش و مسئولیت حسابرسان در مبارزه با فساد
در تحلیل عناصر فساد، آن را محصول "قدرت انحصاری" به همراه "اختیار" منهای "پاسخگویی" می‌دانند. در ارتباط با عنصر "پاسخگویی" در این معادله، حسابداری و حسابرسی در کنار یکدیگر نقش مهمی را در کاهش سطح فساد ایفاء می‌کنند. برنامه‌های حاکمیتی مدون مانند، مدیریت دولتی برای ایجاد سازمان‌های انعطاف‌پذیر و پاسخگو به جای ساختار سلسله مراتبی و بروکراسی، بر آزادی عمل اتکاء می‌کنند. آزادی عمل بی حد و حصر مدیران نیز باعث ایجاد فرصت‌هایی برای فساد می‌شود. به همین دلیل، برای کنترل آزادی عمل مدیران باید ملزم شوند از طریق ارایه‌ی صورت‌های مالی، شفافیت و پاسخگویی را نشان دهند. بنابراین، به منظور ارزیابی این پاسخگویی، منطقی است که انتظار داشته باشیم حسابرسان در محدود کردن فساد نقش فعالی داشته باشد.

یکی از معیارهای بانک جهانی برای مهار فساد، نگهداری سوابق و ارائه‌ی به موقع گزارش فعالیت‌های مالی، حسابرسی و نظارت بر عملکرد است. "تنزی" در سال ۱۹۹۸ از صندوق بین‌المللی پول، برای جلوگیری یا کشف فعالیت فاسد، ضرورت وجود موسسات حسابرسی خوب را خاطر نشان می‌سازد. شرکت‌هایی که صورت‌های مالی حسابرسی شده دارند، کمتر از شرکت‌هایی که حسابرسی نمی‌شوند دچار پرداخت رشوه و درگیر در فساد مالی و اداری می‌شوند. شواهد بخش دولتی نیز حاکی از آن است که استقلال حسابرس در حرفه‌ی حسابرسی سطح فساد کشور را کاهش می‌دهد. البته عموم افراد جامعه انتظار دارند که حسابرسان در مبارزه با فساد نقش فعال‌تری داشته باشند. با این حال، خودشان اغلب تمایلی به افزایش نقش خود در این ارتباط

ندارند، و خود را محدود به کنترل رعایت قوانین و مقررات می‌دانند.

دلایل عدم ارزیابی ریسک فساد از سوی حسابرسان

حسابرسی در مبارزه با فساد دو نقش متفاوت دارد: پیشگیری و کشف. یعنی هم مانع از بروز فساد شود، و هم این که موارد فساد را کشف کند. اگر حسابرسان فساد را کشف کنند، این امر می‌تواند عامل بازدارنده نیز باشد. در نتیجه، از فساد بیشتری جلوگیری شود و فساد کمتری برای کشف وجود داشته باشد. البته نتو و همکاران (۲۰۱۴) نتیجه گرفته‌اند که ترکیبی از روش‌های پیشگراانه و کشف بهترین راه برای کاهش فساد است. دای و استاینهورست (۱۹۹۸) نیز بیان می‌کنند که حسابرسان نقش خود را در جلوگیری از فساد می‌دانند، نه کشف فساد. البته این موضوع قابل انکار نیست که مشارکت و ورود حسابرسان در رابطه با پیشگیری و کشف فساد، در بهبود شفافیت و پاسخگویی، آثار مثبت با اهمیتی خواهد داشت. برخی از اهل حرفه بر این باورند که جلوگیری از فساد آسان‌تر از کشف آن است. زیرا فساد ردپایی از شواهد باقی نمی‌گذارد. به همین دلیل حسابرسان نقش کم‌رنگ‌تری در کشف فساد ایفاء می‌کنند. با این حال می‌توانند با اشاره به حوزه‌هایی که در آنها فرصت‌هایی برای ایجاد فساد وجود دارد، به جلوگیری از فساد کمک کنند. البته فعالیت‌های پیشگراانه از فساد نیز گاهی به دلیل انتصاب سوگیرانه‌ی حسابرسان، استقلال و بی‌طرفی خود را از دست می‌دهد و با فشارهای مدیریتی و سیاسی موجب به وجود آمدن مدیریتی غیر شفاف در بخش‌های دولتی می‌شود. گاهی نیز هیچ اراده‌ی سیاسی و علاقه‌ای به شنیدن توصیه‌های حسابرسان برای اصلاح بخش دولتی به منظور جلوگیری از فساد وجود ندارد. حتی در برخی مواقع تهدیدات و محدودیت‌های گوناگونی علیه حسابرسان برای جلوگیری یا حتی کشف فساد وجود دارد.

در مفاسد مالی که به صورت افقی در بین فعالان اقتصادی با قدرت برابر و روابط نزدیک یا بین فعالان اقتصادی و حوزه‌ی مالیاتی اتفاق می‌افتد، امکان دستیابی حسابرس به مدارک فساد به مراتب آسان‌تر

و قابل اثبات‌تر از مفاسدی است که در شبکه‌های عمومی غیر رسمی اتفاق می‌افتد. در این موارد اخیر حامیان اصلی فعالان و بنگاه‌های اقتصادی به مراتب قوی‌تر از خود اشخاص حقیقی و حقوقی اقتصادی هستند. به طوری که مجبور به رعایت و احترام به منافع سیاسی حامی می‌شوند. سیاستمداران و حامیان اصلی واحدهای اقتصادی که در آنها فساد مالی اقتصادی رخ می‌دهد، از توانایی خود برای نفوذ و شکل‌دهی به قوانین حکومتی استفاده می‌کنند. به طور مثال، در ازای کمک‌های مالی به گروه‌های سیاسی یک یا چندین قرارداد تجاری به این قبیل واحدهای اقتصادی اعطاء می‌شود، یا معافیت‌ها یا امتیازاتی برای آنها لحاظ می‌شود. شناسایی این گونه موارد فساد سیاسی برای حسابرسان بسیار دشوار است. زیرا اغلب ارتباط بین حامی و مشتری (واحد اقتصادی) دست‌نیافتنی و تبادلات فاسد، نامشهود یا پنهان است. علاوه بر این، سیاستمداران می‌توانند علیه حسابرسان که تصمیم دارند ادعاهای فساد را مورد بررسی قرار دهند، مستقیماً مداخله کنند یا می‌توانند از طریق تبعیض به سادگی انتصاب حسابرسان را کنترل کنند. به طوری که با انتصاب حسابرسان و خاموش کردن کنترل داخلی و خارجی، اقدامات فاسد خود را پوشش می‌دهند یا از طریق ایجاد شرکت‌های موازی، برخی معاملات و قراردادها را با نبود کنترل‌های لازم به آن سمت سوق می‌دهند.

چگونگی جلوگیری یا مبارزه‌ی حسابرسان با فساد

طبق گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی، جایگاه ایران به لحاظ درک فساد در مقایسه با سال ۲۰۱۷ که از بین ۱۷۶ کشور در رتبه‌ی ۱۳۰ بود، این جایگاه با هشت پله نزول در سال ۲۰۱۸ در بین ۱۸۰ کشور دنیا به ۱۳۸ تنزل کرده است. شاخص ادراک فساد میزان فساد موجود در میان مقامات دولتی و سیاستمداران را نشان می‌دهد. این شاخص نشان می‌دهد که وضعیت فساد در بخش عمومی هر کشور چگونه است. گزارش‌های تهیه‌شده توسط سازمان بین‌المللی شفافیت، بر پایه‌ی معیارهایی همچون مدیریت دولتی در کشورها، شرایط دسترسی شهروندان به خدمات عمومی، ساختار حقوقی و قضایی حاکم در کشور و موقعیت بخش

خصوصی است. با عنایت به مراتب فوق و در نظر گرفتن مقایسه‌ی رفاه عمومی شهروندان و مسئولیت پاسخ‌دهی بخش دولتی به شهروندان تنزل بیشتر در این شاخص چندان دور از ذهن نخواهد بود. از این رو، به منظور جلوگیری از ریشه دواندن فساد در نظام مالی و اقتصادی کشور و همچنین جلوگیری از نهادینه شدن آن، مبارزه با فساد باید جزو برنامه‌های اصلی هر سازمان به‌ویژه حسابرسان آن باشد.

با توجه به این که فساد مالی یک عمل غیرقانونی است، انتظار می‌رود شرکت‌ها و سازمان‌ها ریسک مشارکت در روش‌های فاسد را مدیریت کنند. به طوری که این کار با شناسایی حوزه‌هایی که فساد در آن اتفاق می‌افتد، ارزیابی شود و از طریق استقرار و نظارت بر کنترل‌های داخلی برای جلوگیری از فساد انجام شود. به عبارتی، باید یک سیاست صریح و روشن در رابطه با فساد طراحی و پیاده‌سازی شود. به همین منظور باید مسیر همه نوع گزارش احتمال وجود فساد، بررسی و کنترل شود تا از طریق مستندسازی مناسب برای تمام مراحل اداری و مالی از جمله فرآیندهای خرید، فروش، استخدام و سایر مبادلات و فعالیت‌های مالی و غیر مالی که تاثیر اقتصادی خواهد داشت و همچنین با تفکیک وظایف مربوط به هر فرآیند، از ایجاد فساد جلوگیری به عمل آید. البته مسیرهای کنترلی باید طوری طراحی و پیاده‌سازی شوند تا از طریق مدیران نیز به راحتی زیر پا گذاشته نشود. بنابراین، ضرورت کنترل‌های خاص، مانع باطل کردن این کنترل‌ها توسط مدیریت شود. در این بین نظارت بر کنترل داخلی و حتی در برخی موارد طراحی و اصلاح کنترل‌ها از وظایف کلیدی حسابرسان داخلی، مستقل و کمیته‌ی حسابرسی شرکت‌ها و سازمان‌های خصوصی و دولتی خواهد بود. با توجه به این که نقش مدیریت شرکت‌ها و سازمان‌ها در مبارزه با فساد یا حتی انجام فساد برجسته است، ضرورت وجود کمیته‌ی حسابرسی برای برنامه‌ریزی و نظارت بر اعمال و وظایف هیئت مدیره و سایر ارکان مدیریت هر سازمان و شرکتی، درک و احساس می‌شود. در این جا این سوال مطرح است که کمیته‌ی حسابرسی برای این که خود دچار فساد و در معرض رشوه قرار نگیرد، چگونه باید انتخاب شود. البته به نظر می‌رسد انتخاب کمیته‌ی

حسابرسی و حتی حسابرسان مستقل توسط یک سازمان مستقل از شرکت‌ها و سازمان‌های مورد نظارت، استقلال و در معرض فساد قرار نگرفتن آنان را بیشتر می‌کند.

از جمله‌ی دیگر موارد پیشگیری به‌موقع فساد وجود سامانه‌های اطلاعاتی قابل دسترس عموم و گزارش‌دهی به‌موقع فعالیت‌های مالی و غیر مالی فاسد، چگونگی انتخاب پیمانکاران و اشخاص طرف معامله با سازمان‌های دولتی و بخش عمومی، کیفیت و کمیت انجام کار از نظر مقداری و ریالی، چگونگی درصد پیشرفت کار خصوصا در پروژه‌های سرمایه‌ای عمرانی و غیر عمرانی، نحوه‌ی استخدام نیروی انسانی و تعداد کارکنان و تغییرات دوره‌ای آنان، میزان و منابع درآمدها و مخارج و مقایسه‌ی آن با بودجه‌های مصوب و افشای انحرافات آن و ایجاد تعهد پاسخگویی به‌موقع مدیران بخش عمومی قبل از هرگونه ارزیابی توسط ارکان صلاحیت‌دار، خود باعث جلوگیری از فساد خواهد شد. البته ارزیابی طی سال و ضمنی حسابرسان مستقل در شرکت‌ها و بخش‌های دولتی و عمومی در جلوگیری و پیشگیری به‌موقع از فسادهای مالی و اقتصادی موثر خواهد بود. همچنین، به نظر می‌رسد وجود یک دایره یا واحد، تحت عنوان "واحد مبارزه با فساد" تحت نظارت و کنترل اشخاص مستقل از همان سازمان‌های بخش‌های دولتی و عمومی، به طور مثال توسط سازمان بازرسی با انتخاب و زیر نظر ارکان صلاحیت‌دار، تاثیر بسزایی در جلوگیری از فساد خواهد داشت.

معمولا نقش حسابرسان داخلی در کشف فساد برجسته‌تر است. در حالی که حسابرسان مستقل به رغم این که از استقلال بیشتری برخوردار هستند کمتر این کار را انجام می‌دهند. دلیل این امر احتمالا این است که کار حسابرسان مستقل با ارزیابی ریسک هدایت می‌شود و بر شناسایی تحریف در صورت‌های مالی تمرکز دارد. بنابراین، اگر فساد مالی منجر به تحریف در صورت‌های مالی نشود، این احتمال وجود ندارد که حسابرسان مستقل بر کشف آن متمرکز شوند. البته در بسیاری از موارد در صورت‌های مالی واحد اقتصادی عامل فساد، این تخلفات به شکل

اظهارات غلط و دوگانه ظاهر می‌شود، که متداول‌ترین آنها رشوه‌خواری و تضاد منافع است که ممکن است از طریق اشتباهات طبقه‌بندی، درآمدهای افشانشده، و هزینه‌های جعلی نمایان شود. با این حال، پنهان کردن هزینه‌های غیر قانونی، از جمله رشوه، در دفاتر قانونی بسیار شایع است. چرا که پرداخت‌های شخص یا سازمان رشوه‌دهنده فاقد هرگونه مدارک و مستندات پشتوانه‌ی این گونه پرداخت‌ها است. البته برخی از این پرداخت از محل درآمدهای نامشخصی صورت می‌گیرد که از طریق فساد مالی یا پول‌شویی حاصل شده‌اند. بنابراین، هیچ‌گونه آثار مالی در دفاتر قانونی شرکت یا سازمان رشوه‌دهنده نخواهد داشت. با این حال، از طریق حساب‌های مشخصی خارج از سازمان اشخاص وابسته قابل ردیابی خواهد بود. در برخی موارد نیز فسادهای مالی از طریق کمک به سازمان‌های خیریه برای رسیدن به اهداف دیگر و سوءاستفاده و تبعیض در بستن قراردادهای مالی یا سایر بخش‌های عمومی و دولتی است. حسابرسان باید دقت داشته باشند، این گونه موارد بیشتر در بخش‌هایی از کشور وجود دارد که سیاستمداران بیشتر و با نفوذتری در کشور دارند. همچنین به لحاظ اقلیمی سهم بیشتری از منابع اقتصادی و ثروت‌های ملی و طبیعی کشور دارند. به طوری که انواع فساد سیاسی و مالی مانند تبعیض برای قوم و خویش و سایر اشخاص وابسته و استثناء قایل شدن برای آنان رقابت آزاد را تحریف می‌کنند. بنابراین ریسک بالای فساد سیاسی برای حسابرسان در بخش دولتی مسئله‌ای است که باید هنگام انجام حسابرسی‌های عملکردی در نظر گرفته شود. این موارد اغلب به تحریف‌هایی از جمله بیش‌نمایی (قیمت‌گزار) کالا و خدمات جاری یا سرمایه‌ای خریداری‌شده منجر خواهند شد. همچنین ضرورت دارد فرآیند چگونگی انتخاب خریدار و فروشنده نیز با دقت و تردید حرفه‌ای مورد بررسی مجدد قرار گیرد. به طوری که اطمینان معقول نسبت درستی رقابت آزاد در فرآیند قراردادهای فی مابین شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های دولتی و عمومی حاصل شود.

از انواع فساد در سازمان‌های دولتی می‌توان به خرید بیش از حد کالا و خدمات و به قیمتی بیشتر از قیمت معمول بازار، تحویل کالا و خدمات با کیفیت پایین‌تر

از حد استاندارد، خطای ارزش‌گذاری در مزایده‌ها و مناقصات، برنده شدن مکرر یک پیمانکار خاص در انتخاب پیمانکار و انعقاد قرارداد، عدم اخذ به‌موقع و کامل مدارک و مستندات مورد لزوم برای تکمیل و درستی فرآیند انعقاد قرارداد و شفاف نبودن صورت‌های مالی، گزارش‌های حسابرس مستقل، وضعیت مالیات و بیمه‌ی پیمانکار در طی چند سال گذشته و حتی تغییر مکرر حسابرس مستقل و وجود سهامداران وابسته به بخش‌های دولتی و سایر موارد اشاره کرد. البته در چند سال اخیر یکی از مهم‌ترین فسادهای مالی و اقتصادی، پرداخت تسهیلات مالی کلان توسط بانک‌های دولتی و خصوصی به اشخاص حقیقی و حقوقی بوده است که توسط اشخاص ثالث دارای نفوذ، روسا و مدیران رده بالای جامعه خصوصاً دولتی حمایت می‌شوند. در این چرخه رشوه‌ی پرداختی به مدیران بانکی و اشخاص رابط که از مصادیق فساد مالی به حساب می‌آید نیز از محل همین وام‌ها برداشت و پرداخت شده است. نکته‌ی تاسف‌بار این که برخی از این وام‌ها در بدنه‌ی اقتصاد تزریق نشدند بلکه در جهت منافع شخصی وام‌گیرنده، از جمله خروج سرمایه از کشور، مصرف شده‌اند. در این جا حسابرسان بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری از طریق مکاتبه و همکاری با سایر حسابرسان و همچنین با حوزه‌های مالیاتی اشخاص دریافت‌کننده‌ی وام، میزان واقعی تسهیلات دریافت‌شده و محل مصرف آن را می‌توانند پیگیری کنند، و در صورت وجود انحراف و هرگونه فساد مالی مکلفند به ارکان صلاحیت‌دار و مراجع قانونی گزارش دهند. با توجه به این که در چند سال اخیر کشور با تحریم‌های اقتصادی و سیاسی مواجه بوده است، از دیگر موارد فساد مالی و اقتصادی قراردادهای "سوآپ" است که برخی از آنها به دلیل تخلفات مالی رسانه‌ای هم شده‌اند. در این معاملات پای شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت همیشه در میان بوده است. همچنین بدلیل چند نزخی بودن ارز و وجود نرخ‌های ترجیحی برای برخی صنایع، اقلام و شرکت‌های خاص و همچنین عدم ورود ارز حاصل از درآمدهای صادراتی از طریق مجاری قانونی به طور یقین محل فساد مالی و اقتصادی بوده و در آینده نیز خواهد بود.

نقش و مسئولیت حسابرسان در مبارزه با پول‌شویی حسابرسی به عنوان یک ساز و کار نظارتی برای بررسی دقت و درستی اطلاعات مالی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های مالی است. حسابرس مستقل به طور ویژه می‌تواند برای کشف جرایم مالی به کار گرفته شود. با توجه به این که حسابرسان دفاتر حسابداری صاحب‌کاران خود را بررسی و هر گونه تخلف مالی در امور شرکت را اعلام می‌کنند، بنابراین، آنان را به عنوان خط مقدم مبارزه با پول‌شویی می‌پندارند. البته چگونگی انعکاس تخلفات مالی و موارد پول‌شویی در گزارش‌های حسابرسی همواره از مسائل بحث‌برانگیز بوده است، و با افزایش پیچیدگی و تنوع فعالیت‌های اقتصادی، قوانین و مقررات مختلف و در حال تغییر، باعث شده است که انتظارات از حسابرسان مستقل به عنوان مسئولان ناظر بر اشخاص حقوقی افزایش یابد. از طرفی، حملات تروریستی یازدهم سپتامبر در آمریکا نیز منجر به برخی اقدامات این دولت با هدف جلوگیری از تروریسم و فعالیت‌های پول‌شویی مرتبط با آنها شده است. "قانون میهن‌پرستی ایالات متحده‌ی آمریکا" دارای تصمیماتی در زمینه‌ی مبارزه با پول‌شویی است و وزارت خزانه‌داری را مجاز کرده است تا قواعد ضد پول‌شویی را برای حرفه‌های مختلف از جمله حسابداران وضع کند. شفاف‌سازی مناسبات پولی و سلامت اقتصاد اجتماعی و ایجاد محدودیت برای درآمدسازان غیرقانونی، مبارزه با پول‌شویی را به چالش نوین در عرصه‌ی جهانی تبدیل کرده است. در ایران نیز بر اساس ماده‌ی ۶ قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی، حسابرسان و حسابداران مکلفند اطلاعات مورد نیاز در اجرای این قانون را که هیئت وزیران تصویب می‌کند، حسب درخواست شورای عالی مبارزه با پول‌شویی ارائه کنند. به طوری که اجماع عمومی بر این شده است که حسابرسان نخستین کسانی هستند که می‌توانند عملیات پول‌شویی را با موفقیت تعیین و گزارش کنند.

هر چند راه‌های متعددی برای پول‌شویی وجود دارد، ولی اصلی‌ترین راه پول‌شویی از مسیر موسسات مالی از قبیل بانک‌ها، صندوق‌های

قرض‌الحسنه و مانند اینها است. نکته‌ای که حسابرسان نباید در مورد آن دچار اشتباه شوند، تفاوت بین فرار مالیاتی و پول‌شویی است. چه بسا که پولشویان تمایل دارند با پرداخت مالیات بر پول‌های غیر قانونی خود نقاب قانونی بپوشانند. به طوری که تشخیص این موضوع به دقت و قضاوت حرفه‌ای حسابرس نیاز دارد. پول‌شویی معمولاً تأثیر مستقیم بر صورت‌های مالی ندارد، یا این که با یک نگاه نمی‌توان از وجود یا عدم وجود آن اطمینان حاصل کرد. استانداردهای حسابرسی شماره‌ی ۵۴ آمریکا ناظر بر اعمال غیر قانونی صاحب‌کاران است. این استاندارد و استانداردهای حسابرسی ایران نیز حسابرسان را الزم نمی‌کند رویه‌های خود را با هدف کشف فعالیت‌های غیر قانونی تغییر بدهند یا طراحی کنند. ولی در صورت پی بردن حسابرسان از امکان وجود فعالیت‌های غیر قانونی از جمله پول‌شویی، مسئولیت اساسی پیدا می‌کنند. در این صورت با تعیین فعالیت‌های مشکوک به پول‌شویی و در نظر گرفتن جوانب حقوقی و مجازات جرایم احتمالی اقدام به بررسی‌های ویژه و طراحی مجدد در رسیدگی‌ها می‌کنند و مراتب و نتایج را با مدیران سطح بالاتر و ارکان صلاحیت‌دار صاحبکار یا با مشاوره‌ی حقوقی با مراجع قانونی در میان می‌گذارند. نهایتاً حسابرس آثار احتمالی این فعالیت‌های غیر قانونی را در زمان صدور گزارش تجزیه و تحلیل می‌کند و گزارش خود را با توجه به اهمیت یا ماهیت آن تعدیل می‌کند. به طوری که در برخی موارد امکان عدم اظهار نظر یا اظهارنظر مردود نیز وجود خواهد داشت. در برخی موارد نیز استعفاء و کناره‌گیری از کار را برای حسابرسان در پی خواهد داشت.

حسابرسان مستقل هنگام برنامه‌ریزی و اجرای روش‌های حسابرسی باید شناخت کلی از چارچوب قوانین و مقررات مربوط به واحد مورد رسیدگی و صنعتی آن به دست آورد. با این حال، در چند سال اخیر اظهارنظر و حتی رسیدگی‌های حسابرسان محدود به کنترل رعایت مفاد چک لیست ابلاغی از مراجع ذیربط (سازمان حسابرسی) شده است. به همین دلیل به نظر می‌رسد حسابرسان تمایلی به پرداخت عمیق به مسائل پول‌شویی در حساب‌های مالی صاحبکاران ندارند، و در صورت وجود، این

موارد بسیار نادر و انگشت‌شمار هستند. در صورتی که طبق ماده‌ی ۲ قانون مبارزه با پول‌شویی، جرم پول‌شویی شامل، تحصیل، تملک، نگهداری و استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیر قانونی، انتقال منابع مالی شرکت و تسهیلات دریافتی از بانک‌ها به حساب‌های شخصی سهامداران و شرکاء و پنهان کردن محل مصرف واقعی این منابع مالی است، که مصادیق آن در برخی از شرکت‌ها وجود دارد، ولی در گزارش حسابرسان مستقل اثری از این موارد دیده نمی‌شود.

شاخص‌های بالقوه‌ی پول‌شویی توسط صاحب‌کار

گزارش عملیات غیر عادی مبنی بر پول‌شویی از سوی حسابرسان برحسب الزامات قانونی در کشورهای مختلف با یکدیگر تفاوت دارد و ممکن است اجباری یا احتیاطی باشد. از جمله‌ی این عوامل موارد زیر قابل ذکر است:

- نقل و انتقالات نقدی و تبدیل ارز.
- تملکات غیرعادی اموال منقول و غیر منقول.
- وام‌های غیر عادی که به راحتی از بانک‌ها دریافت یا بازپرداخت آنها به‌موقع انجام نشده است.
- صرف وام‌های دریافتی توسط سهامداران و شرکاء در فعالیت‌های خارج از شرکت.
- تزیین نقدینگی توسط اشخاص ثالث و نامعلوم در مقابل دریافت هزینه‌ی بهره‌ی غیر متعارف.
- گردش عملیات شرکت توسط حساب‌های شخصی شرکاء و سهامداران.
- کمک‌های بلاعوض به موسسات و سازمان‌های خیریه بدون شواهد محکم.
- افزایش زیاد درآمدهای فروش.
- عملیات یا قراردادهای فاقد مدارک مثبت.
- دریافت ضمانت‌نامه‌های بدون اقدام.
- معاملات با مشتریان بدون مشخصات کامل و با هویت نامعلوم.
- پرداخت از طرف اشخاص ثالث بدون این که شرکت نقشی در معامله داشته باشد.
- قراردادهای تسهیم سود فاقد اساس اقتصادی در مشارکت‌های خاص.
- معاملات غیر عادی با اشخاص خارجی یا شرکت‌های وابسته در مناطق آزاد تجاری.

- انجام تبلیغات با هزینه‌های بالا ولی بدون مدارک کافی.
- عدم وجود کنترل‌های داخلی مناسب در داخل شرکت.
- واگذاری مناقصات بدون تشریفات قانونی مناسب و کامل.
- تعدیل قراردادهای به صورت غیر اقتصادی و غیر منطقی.
- کاهش مطالبات به صورت غیر مترقبه از طریق سوخت کردن یا ذخیره‌ی مطالبات مشکوک الوصول.
- انجام معاملات ارزی در سطح بالا و به شکل نامتعارف و خارج از شبکه‌ی بانکی.

نتیجه‌گیری

در نگاه نخست به نظر می‌رسد فساد هیچ ردی در صورت‌های مالی ندارد و هیچ مدرکی را برای رسیدگی حسابرسی باقی نمی‌گذارد. در صورتی که فساد مالی و پول‌شویی اغلب باعث ایجاد اظهارات غلط و دوگانه و بعضاً مغایر با سایر اطلاعات در صورت‌های مالی می‌شود و حسابرسان مالی می‌توانند اظهارات غلط مادی و به تبع آن فساد مالی را در صورتهای مالی ردیابی کنند. در این راستا، ضرورت دارد در پی یافتن شواهد خارجی و برون سازمانی اقدام کنند و به دنبال آثار و بقایای معاملات فاسد باشند. فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC) در راستای جلوگیری و مبارزه با فساد از طریق ایجاد پاسخگویی سازمانی، شفافیت بیشتر در حسابداری دولتی را گسترش داده است و در بیانیه‌های خود شفافیت، پاسخگویی و خدمت‌رسانی به منافع عمومی، حمایت مداوم از استانداردهای بین‌المللی و رعایت آیین رفتاری حرفه‌ای را تأکید می‌کند. با بررسی استاندارد حسابرسی شماره‌ی ۳۱۵ و ماده‌ی ۳۳ دستورالعمل مبارزه با پول‌شویی، قانون ارتقای نظام سلامت اداری و استاندارد حسابرسی شماره‌ی ۲۵۰ درباره‌ی عدم رعایت قوانین و مقررات، به این نکته می‌رسیم که مراجع قانونی و استانداردهاگذار ضمن اعطای آزادی عمل به حسابرسان مستقل، آنان را ملزم به گزارش عدم رعایت قوانین و مقررات از جمله مفاسد مالی و اداری و پول‌شویی کرده است. در این باره شایسته است، حسابرسان به

منظور اعتلای حرفه، مراتب را فارغ از اهمیت ریالی آنها و با لحاظ کردن ماهیت غیر قانونی این اعمال، در گزارش‌های خود به صراحت بگنجانند. البته این موضوع اساسی نباید فراموش شود که با پیاده‌سازی سامانه‌ی یکپارچه‌ی اطلاعات مالی و تسهیل در تبادل اطلاعات مالی بین بانک‌ها، موسسات مالی و اعتباری، سازمان امور مالیاتی کشور، گمرک، سازمان حسابرسی، جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، سازمان بازرسی و سازمان نظارت بر معاملات دولتی بسیاری از راههای فساد مالی و پول‌شویی محدود و از وقوع آنها پیشگیری خواهد شد. البته تا زمانی که حسابرسان بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصی، که مسئول نظارت بر عملکرد سازمانها، شرکت‌ها و موسسات فعال در این بخش‌ها هستند، تمایلی به جلوگیری و مبارزه با فساد مالی و پول‌شویی نداشته باشند و از طرف مراجع قانونی و حاکمیت نیز مورد حمایت همه‌جانبه قرار نگیرند، پدیده‌ی فساد مالی و پول‌شویی محدود نمی‌شود و از بین نخواهد رفت، و آثار مخرب آن در اقتصاد، سیاست و کل جامعه نهادینه خواهد شد. ■

منابع:

1- kim k. jeppesen (2018) "The role of auditing in the fight against corruption" To appear in: The British Accounting Review (2018)

- ۲- رحیمیان، نرگس (۱۳۹۳). بررسی فساد اقتصادی و راههای مبارزه با آن، مجله‌ی اقتصادی ۹ و ۱۰
- ۳- سلاطین، پروانه. غفاری، نیلوفر (۱۳۹۵). تأثیر فساد بر کسری بودجه، فصلنامه‌ی سیاست‌های مالی و اقتصادی ۱۴
- ۴- همت‌فر، محمود. اصلانی، محمد. لطفعلیان، فاطمه (۱۳۹۵). اقدامات احتمالی پول‌شویی صاحبکاران، فصلنامه‌ی حسابدار رسمی ۳۵

فاطمه صراف: استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
موسی حسن‌زاده: حسابدار مستقل خبره، حسابدار رسمی.